



خبرنامه

پڑھشكده سياستگذاري شريف

سال ۳، شماره ۲، پياپی ۱۰

دو ماهنامه خرداد و تير

فهرست مطالب

۱	دبیاچه
۲	یادداشت‌ها
۲	چرا صنایع فرهنگی و خلاق برای دولت‌ها جذابیت دارند؟
۵	کلید گمشده تحول در حکمرانی صنایع فرهنگی و خلاق ایران
۹	نشست‌ها
۹	نشست رویکردهای نوین در مدیریت پایدار سرزمین
۱۰	نشست عدم توسعه اکتشافات سنگ آهن؛ چالش آینده صنعت فولاد
۱۱	شرکت در نشست باشگاه مدافعان اقتصاد مردمی
۱۳	نشست پویش‌های اجتماعی تاثیرگذار و تحول‌آفرین محلی
۱۵	نشست بازخوانی کارنامه ۳۰ ساله دامنه دات‌آی‌آر
۱۸	نشست سیاست‌های فرهنگی دولت چهاردهم
۲۱	نشریه علمی سیاست‌نامه علم و فناوری

دیباچه

در آستانه تحولات جدید سیاسی و اجتماعی کشور، به ویژه با انتخاب دکتر مسعود پزشکیان به عنوان مقام محترم ریاست جمهور، فصل تازه‌ای به سوی تحقق آرمان‌ها و حل بحران‌های پیشین آغاز شده است. با تشکیل کابینه‌ای فراگیر، انتظار می‌رود که با اتخاذ رویکردی منسجم و مبتنی بر مشارکت، مسیر توسعه کشور که در دولت پیشین بر ریل اقتدار و استواری قرار گرفته بود شتاب بیشتری گیرد. در شرایطی که کشور با چالش‌های جدی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه است، امید به همگرایی و همکاری میان جناح‌ها و نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی به شدت احساس می‌شود. مشارکت گسترده، هم در سطح داخلی و هم در عرصه بین‌المللی، به عنوان شاخصی از پویایی سیاسی و اجتماعی یک کشور تلقی می‌شود. پژوهشکده سیاست‌گذاری شریف، همزمان با این تحولات، با اتکاء به دانش روز و ترویج سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، در پی ارتقای حکمرانی و بهبود اصلاحات ضروری است. ما بر این باوریم که با همکاری و مشارکت فعال بخش خصوصی، نخبگان و حمایت مردم می‌توان به رشد و توسعه اقتصادی پایدار دست یافت. خبرنامه‌ای که پیش رو دارید، به عنوان یکی از اصلی‌ترین پل‌های ارتباطی میان پژوهشکده و جامعه، شامل محوری‌ترین گزارش‌ها و رویدادهایی است که در دو ماهه گذشته (خرداد و تیر) در پژوهشکده سیاست‌گذاری شریف روی داده است. در این مسیر، پژوهشکده سیاست‌گذاری شریف با انعکاس گزارش‌ها و تحلیل‌های کارشناسی، به دنبال ایجاد بستری برای تعامل و تبادل دانش و تجربه میان نخبگان و تصمیم‌گیران کشور است تا بتواند نقش مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه‌گستر و اصلاحات حکمرانی ایفا کند. امیدواریم با انتشار این خبرنامه و ارائه اطلاعات و تحلیل‌های به‌روز، گامی در جهت ارتقای آگاهی علمی، سیاست‌سنجی محققانه و همگرایی ملی برداریم.

پژوهشکده سیاست‌گذاری شریف

تابستان ۱۴۰۳



یادداشت‌ها

چرا صنایع فرهنگی و خلاق برای دولت‌ها جذابیت دارند؟ شب‌نم‌لشگری

پارادایم مرکزی رشد اقتصادی که بر اندازه‌گیری دستاوردهای مادی تمرکز داشت، به مفاهیم گسترده‌تر توسعه انسان‌محور تغییر یافت که بر جنبه‌هایی مانند وضعیت سامت، سطح سواد و دسترسی به آموزش تأکید می‌کند. این تغییر با گزارش‌های توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد، که در سال ۱۹۹۱ توسط «آمارتیا سن» اقتصاددان منتشر شد، تسریع شد. این گزارش، توسعه را به عنوان «گسترش قابلیت‌های انسانی» توصیف کرد. پس از آن، نقش فرهنگ در تفکر سیاست توسعه توسط کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه در سال ۱۹۹۵ مورد توجه قرار گرفت. کمیسیون به ابعاد فرهنگی پارادایم توسعه انسان‌محور اشاره کرد و پیشنهاد کرد «فرهنگ» در مرکز پارادایم توسعه انسان‌محور قرار گیرد. یونسکو نیز در گزارش‌های فرهنگ جهانی خود در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ به این موضوع پرداخت. بر اساس گزارش‌های یونسکو، مفهوم صنایع فرهنگی و خلاق رویکرد جدیدی را برای سیاست‌گذاری فرهنگی ارائه می‌کرد؛ مشخص شد که فعالیت افراد خلاق و هنرمندان پتانسیل قابل توجهی برای تولید سرمایه‌های فرهنگی ملموس و غیرملموس در جامعه دارند. همچنین مشخص شد که اقتصادهای ملی می‌توانند کالاها و خدمات خلاقانه‌ای برای بازارهای داخلی و بین‌المللی تولید کنند. این رویکرد نسبت به صنایع فرهنگی و خلاق، نقش فرهنگ را در توسعه اقتصادی تفسیر میکند و برای صنایع فرهنگی و خلاق این امکان را به وجود می‌آورد که به‌عنوان یکی از نیروهای محرک توسعه اقتصادی به رسمیت شناخته شود. به این معنی که صنایع فرهنگی و خلاق و توسعه اقتصادی به هم مرتبط هستند.

صنایع فرهنگی و خلاق می‌توانند با پارادایم توسعه پایدار برای تدوین سیاست در کشورهای در حال توسعه سازگار باشند. این صنایع ابعاد اقتصادی و فرهنگی توسعه را در چارچوب سیاست کلنگر گرد هم می‌آورند. مفهوم «توسعه پایدار» به توسعه‌ای اشاره دارد که نیازهای حال حاضر را بدون وجه‌المصلحه قرار دادن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خود تأمین می‌کند. کنوانسیون تنوع فرهنگی ادغام فرهنگ در فرایند توسعه را تصدیق کرده است. این موضوع در دو بخش مهم از این کنوانسیون یعنی، بند ششم از ماده ۲ در مورد اصل توسعه پایدار و ماده ۱۳ در مورد ادغام فرهنگ در توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است. با انطباق این اصول برای تعریف توسعه پایدار فرهنگی، میتوان سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نزدیک به هم را بر اساس رویکرد کلنگر شناسایی کرد و ارتباط بین توسعه اقتصادی و فرهنگی را تشخیص داد. بهترین راه برای معرفی فرهنگ در دستور کار سیاست توسعه، نشان دادن چگونگی نقش صنایع فرهنگی و خلاق در توسعه پایدار به‌واسطه ایفای نقش در تولید، اشاعه، مشارکت و مصرف فرهنگ در رشد اقتصادی، غنی‌سازی فرهنگی و انسجام اجتماعی است. البته چنین رویکردی به آن معنا نیست که اهداف اقتصادی باید اهداف فرهنگی را کنار بگذارند. چراکه، دستیابی به پایداری در توسعه صنایع فرهنگی و خلاق مستلزم تقویت فعالیت‌های هنری و فرهنگی و پایه‌ای است که صنایع گسترده‌تر بر آن بنا می‌شوند. شناخت پتانسیل اقتصادی صنایع فرهنگی و خلاق راهکاری عملی در راستای توسعه اقتصادی گسترده‌تر



فراهم می‌کند. یکی از عناصر اساسی سیاست توسعه پایدار فرهنگی، توجه به سرمایه‌گذاری بلندمدت در زیرساخت‌ها، از جمله زیرساخت‌های فیزیکی برای حمایت از تولید، توزیع و مصرف فرهنگی است.

بنابراین می‌توان گفت با تغییر رویکرد توسعه، از الگوی سنتی به مدرن، عناصر پایداری و فرهنگ به عنوان محورهای اساسی توسعه مطرح شدند. در این راستا، درک عمومی نسبت به اهمیت مسائل فرهنگی و صنایع خلاق در چارچوب توسعه پایدار جهانی ارتقا یافت و نهادهای بین‌المللی ابتکارات گوناگونی را در این عرصه به اجرا گذاشتند. سازمان ملل متحد بر اهمیت اقتصاد خلاق تأکید کرد، زیرا این حوزه در تحقق اهداف متعددی از جمله کاهش فقر، تساوی جنسیتی، رشد اقتصادی، اشتغال، ترویج نوآوری، ایجاد جوامع مسالمت‌آمیز و فراگیر و تقویت همکاری‌های جهانی برای نیل به اهداف توسعه پایدار نقش به‌سزایی دارد. این نوشتار به بررسی تأثیر صنایع فرهنگی و خلاق بر توسعه پایدار از سه منظر اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی می‌پردازد. علاوه بر این، سیاست‌ها و برنامه‌های چند کشور مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

تأثیر اقتصادی صنایع فرهنگی و خلاق

اقتصاد خلاق به عنوان یک بخش نوظهور و پویا در اقتصاد جهانی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. این صنایع به‌طور چشمگیری در تولید ناخالص داخلی، ایجاد اشتغال و کاهش فقر موثر بوده‌اند. به‌طوریکه فرهنگ و خلاقیت و ۶/۱ درصد از کل اشتغال و نزدیک به ۵۰ میلیون شغل تاکنون در سراسر (GDP) ۳/۱ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی جهان ایجاد کرده است. همچنین اقتصاد خلاق به دلیل ماهیت نوآورانه و انعطاف‌پذیر خود، در مواجهه با بحران‌های مالی سال ۲۰۰۸، علیرغم انقباض ۱۲ درصدی در تجارت جهانی، به رشد خود ادامه دادند. در بحران کووید-۱۹ نیز صادرات این صنایع تنها ۱/۸ درصد کاهش داشت، در صورتی که شاهد کاهش ۲۰ درصدی صادرات سایر حوزه‌های خدماتی بودیم.

صنایع فرهنگی و خلاق برای زنان و جوانان

صنایع فرهنگی و خلاق به عنوان راهکاری امیدبخش برای مقابله با مشکلات فزاینده بازار کار، به ویژه برای جوانان و اقشار آسیب‌پذیر، مطرح شده‌اند. این صنایع نقش مهمی در ایجاد رشد اقتصادی فراگیرتر و افزایش مشارکت زنان و جوانان، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد نسبت جوانان شاغل در حوزه فرهنگی بیشتر از سایر بخش‌ها است. در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط به پایین، افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله حدود ۲۵ درصد کل اشتغال در بخش فرهنگ را تشکیل می‌دهند. همچنین بخش فرهنگی و خلاق باعث ایجاد اشتغال برای افراد با تحصیلات کمتر از دبیرستان می‌شود، جمعیتی که اغلب در برابر بیثباتی شغلی آسیب‌پذیرتر هستند. در کشورهای کم‌درآمد، افرادی که تحصیلات متوسطه را به پایان

نرسانده‌اند، ۲۷/۳ درصد از افراد شاغل در مشاغل فرهنگی و ۱۵ درصد از شاغلان در صنایع خلاق را تشکیل می‌دهند. همچنین، آخرین آمارها نشان می‌دهد حدود ۸/۱ درصد از مشاغل در حوزه فرهنگ و سرگرمی در سراسر جهان توسط زنان انجام می‌شود. صنایع و مشاغل خلاق، بخش‌های متنوعی را شامل می‌شوند و مهارت‌ها و استعدادهای گوناگونی را به کار می‌گیرند. بنابراین پتانسیل این صنایع در گستردگی قابلیت‌ها و همکاری‌های بالقوه‌ای نهفته است که می‌توانند به‌طور مؤثری در حوزه‌هایی مانند فیلم، مد، بازی‌های ویدیویی، موسیقی و هنر به کار گرفته شوند. همچنین به‌طور گسترده‌تر، افراد با زمینه‌های اجتماعی-



اقتصادی و تحصیلی متنوع می‌توانند در اقتصاد خلاق مشغول به کار شوند. بنابراین، به رسمیت شناختن فرصت‌های شغلی استفاده نشده برای گروه‌های آسیب پذیر و عمدتاً کم‌کار، حتی در زمان آشفتگی‌های کلان اقتصادی، برای رفاه و رشد اقتصادی بسیار مهم است.

صنایع خلاق و دیپلماسی فرهنگ

فرهنگ نقش بنیادین در شکل‌گیری قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ایفا می‌کند. هر کشوری با بهره‌گیری از میراث فرهنگی منحصربه‌فرد خود، می‌تواند ارزش‌ها و دستاوردهای خود را به نمایش بگذارد و تصویر خود را در سطح جهان ارتقا بخشد. در عصر ارتباطات و به هم پیوسته کنونی، دیپلماسی فرهنگی به عنوان پلی برای تقویت گفت‌وگو و درک متقابل میان ملت‌ها، اهمیت یافته است. دیپلماسی فرهنگی فراتر از یک ابزار ساده در سیاست خارجی و یک فرایند چندبعدی از سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی است. این مفهوم، مجموعه‌ای از سیاست‌ها، ابتکارات و فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد که هدف آن پیشبرد اهداف ملی است. شیوه‌های اجرایی این طرح‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است و از طریق هدایت هوشمندانه جریان‌های فرهنگی و رسانه‌ای که متشکل از متون ایجاد شده در صنایع فرهنگی هستند، محقق می‌شود. به‌طور خاص، دیپلماسی فرهنگی بازیگران دولتی را در سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی درگیر می‌کند و از ابزارهای سیاست فرهنگی بهره می‌برد. دیپلماسی فرهنگی سه حوزه ملی را پوشش می‌دهد: هویت فرهنگی (اجتماعی)، قدرت نرم (سیاسی) و اقتصاد خلاق (اقتصادی). این سه شالوده اصلی سیاست‌های دیپلماسی فرهنگی را تشکیل می‌دهد.

برندسازی ملی از طریق توسعه صنایع فرهنگی و خلاق

در میان مطالعات مربوط به ارزش ذاتی و کاربردی هنر و فرهنگ، برخی محققان پیشنهاد کرده‌اند که نقش دولت در حوزه هنر و فرهنگ می‌تواند به شکل‌گیری تصویر یک کشور کمک کند. در سال‌های اخیر، توجه زیادی به مفهوم برندسازی ملی جلب شده است. ظهور مفهوم برند در سطح ملی از پیامدهای اقتصادی و سیاسی نشأت می‌گیرد. یک کشور با استراتژی‌های برندسازی موثر می‌تواند، روابط بین‌المللی خود را تقویت کند و چشم‌اندازهای اقتصادی خود را بهبود بخشد. در ادبیات این حوزه، نمونه‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه رویدادهای فرهنگی و هنری یک کشور بر تصویر آن در خارج از مرزهایش تأثیر می‌گذارد. این رویکرد نشان می‌دهد که هنر و فرهنگ نه تنها ارزش ذاتی دارند، بلکه می‌توانند به عنوان ابزاری قدرتمند برای ارتقای جایگاه بین‌المللی و توسعه اقتصادی یک کشور عمل کنند.

تأثیر صنایع خلاق بر پایداری محیط زیستی

جهان امروز در مسیری ناپایدار قرار گرفته است. مصرف منابع توسط جمعیت جهانی از توان بازسازی زمین فراتر رفته، که این امر پایداری زندگی و معیشت ما را با چالش‌هایی چون تغییرات اقلیمی، کمبود آب، آلودگی و انباشت زباله مواجه کرده است. برای تضمین بقای نسل حاضر و آینده، کاهش چشمگیر ردپای اکولوژیکی و کربنی بشر ضروری است. گذار از اقتصاد خطی به اقتصاد دایره‌ای، پیش‌نیازی اساسی برای دستیابی به پایداری جهانی است. اقتصاد دایره‌ای به دنبال جداسازی رشد اقتصادی از مصرف منابع طبیعی و آسیب به اکوسیستم‌هاست. این هدف از طریق استفاده کارآمدتر از منابع و ایجاد زیرساخت‌های بازیافت محقق می‌شود. این رویکرد، محرک نوآوری در استفاده مجدد از مواد، قطعات و محصولات و همچنین مدل‌های کسب‌وکار نوین است.

اقتصاد خلاق، مکمل این مفهوم جدید اقتصادی برای توسعه پایدار و نوآوری مقتصدانه است. صنایع فرهنگی و خلاق به دلیل پتانسیلشان در کمک به توسعه پایدار از طریق روش‌های نوآورانه، مدل‌های تجاری پایدار و ابتکارات سازگار با محیط زیست، اهمیت مضاعفی یافته‌اند. این تعهد به پایداری، علاوه بر پرداختن به مسائل زیست‌محیطی، مسیرهای جدیدی را برای خلاقیت و نوآوری می‌گشاید. رویکرد خلاقانه، فراتر از بازیافت و مدیریت پسماند است و بر طراحی بهینه محصولات، فرآیندها و خدمات تمرکز دارد. این به معنای استفاده مجدد، تعمیر، بازسازی یا بازیافت مواد در پایان عمر مفید آنهاست. الگوهای تولید خلاقانه و دایره‌ای نیازمند مهارت‌های جدید نیروی کار، همکاری بین ذینفعان در زنجیره تأمین و همچنین مقررات جدید در تجارت بین‌المللی، سیستم‌های توزیع و انتقال نوآوری و فناوری است. این رویکرد سیستمی به تغییر رفتار و الگوهای تولید، تقاضا برای فعالیت‌های دانش‌محور و نیروی کار خلاق را افزایش می‌دهد. پتانسیل بالا برای تغییر مثبت نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها می‌توانند به سمت تولید کالاها و خدمات سازگار با محیط زیست و اقلیم هدایت شوند، که این امر نویدبخش آینده‌ای پایدارتر است.

کلید گمشده تحول در حکمرانی صنایع فرهنگی و خلاق ایران

محمدامین شفیعی‌خانی

ضرورت تحول

به گواه اسناد و آمارهای موجود، عرصه اقتصاد فرهنگ و صنایع خلاق، کانون توجه بسیاری از سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف جهان است. اگرچه این عرصه دارای پیشین‌های دیرپا در جهان و ایران است، و یک فضای کسب‌وکاری جدی برای شاخه‌هایی از فرهنگ و هنر همچون کتاب، سینما، گردشگری، صنایع دستی و ... هم اکنون موجود است، لیکن کارگزاران مربوطه در کشورهای مختلف، چه متأثر از انگیزه‌های سرمایه‌سالارانه و ورود بخش خصوصی قدرتمند به بازار این صنایع و چه ناشی از نگرش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، و نیز با توسعه بهره‌گیری از فناوری و نوآوری در صورت بندی و محتوای محصولات و خدمات فرهنگی، با جدیت بیش از پیش به دنبال نقش‌آفرینی در این صنایع هستند.

برای تقویت کمی و کیفی صنایع فرهنگی و خلاق، یکی از ابزارهای لازم، تحول در سکانداری و حکمروایی این صنایع است؛ به گونه‌ای که سیاست‌گذاران مربوطه با درک صحیح از اهمیت این صنایع، تشخیص مختصات این عرصه و لوازم توسعه نوآورانه و فناورانه آن در عصر کنونی، موجبات یک پیشرفت محسوس ناشی از همافزایی سیاست‌گذاران با کاهش حداکثری موازی‌کاری و تعارضات سیاستی و نهادی را فراهم آورد. برای چنین تحولی، وجود یک نهاد پیشران تحول لازم می‌نماید؛ نهادی که با داشتن بینش تحولی مورد نیاز و همچنین توان اثرگذاری بر سایر نهادها و بازیگران عرصه صنایع خلاق، نقش بی‌بدیل خود را در تحقق این تحول ایفا نماید.

کارکرد مهم دیگری که از نهاد پیشران انتظار می‌رود، پیشبرد ایجاد یک اجماع و اتحاد جهانی پیرامون ارزشهای راهبردی مشترک -به خصوص ارزشهای مشترک «فرهنگی»- است. توضیح اینکه ما در کشاکش‌های فرهنگی کنونی و مواجهه با تهدیدات فرهنگی علیه ارزش فرهنگی ملی خودمان، با اجماعات جهانی و سیاست‌های طراحی‌شده منسجمی مواجه هستیم که هستند. در مقام مقابله با چنین رخداد‌های سیاستی حوزه فرهنگ، «LGBT» به دنبال بسط پادفرهنگی نظیرجریان نیازمند شکل‌دهی اجماعات جهانی متقابل و طراحی سیاست‌های جهانی بدیل و رقیب هستیم. این اجماعات به ویژه در قالب همکاری و تعامل در صنایع فرهنگی و خلاق نمود می‌یابد؛ از تولیدات مشترک گرفته تا ایجاد بازار و منافع متقابل در اقتصاد خلاق. با عنایت به این ضرورت جبهه‌سازی جهانی در پیشبرد صنایع فرهنگی و خلاق، نهاد پیشران مذکور با اتخاذ یک «رویکرد برون‌گرایانه»، می‌تواند این مهم را نیز تحقق بخشد.

سودای تحول

در کشور ما نیز اگرچه شاخه‌های مختلفی از صنایع خلاق از چند دهه قبل رواج داشته‌اند، اما پرداخت جدی به این موضوع را می‌توان در دهه اخیر مشاهده نمود. این پرداخت را به طور خاص در ظهور «ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم» ذیل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری می‌توان یافت. این ستاد به دنبال توسعه کسب‌وکارهاییست که از ظرفیت‌های نوآورانه و فناورانه برای تولید محصولات یا ارائه خدمات فرهنگی اقدام می‌نمایند. در این خصوص، طراحی و اجرای اقداماتی با تأکید بر خلاق بودن کسب‌وکارها در دستور کار این ستاد قرار گرفت که از آن جمله تعریف «شرکت‌های خلاق» در کنار شرکت‌های دانش‌بنیان و ایجاد «زیست‌بوم شرکت‌های خلاق» و «خانه‌های خلاق» می‌باشد.



بدین ترتیب کسب‌وکارهای صنایع خلاق در کنار ادبیات فراگیر سیاستی شرکت‌های نوآفرین (استارت‌آپی) و دانش‌بنیان، محل توجه عموم و خصوص جامعه ایرانی قرار گرفت. اما اقدامات و پیگیریهای این ستاد نوظا به همین موارد محدود نماند. ستاد تهیه و تصویب یکی از نخستین و مهمترین اسناد سیاستی را نیز در این حوزه پیگیری نموده که عبارتست از: سند ملی توسعه

فناوری‌های فرهنگی و نرم

این سند که مصوب تیر ماه ۱۴۰۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی (دولت دوازدهم) است، به تصریح متن آن، به منظور «تبیین جهتگیری‌های اساسی و کلان کشور، تنظیم مناسبات دست‌اندرکاران و بهره‌گیری هر چه بیشتر از قابلیت‌های موجود و ایجاد ظرفیت‌های جدید در سطح ملی» در خصوص فناوری‌های فرهنگی و نرم به عنوان یک مقوله راهبردی، پیچیده و اولویت‌دار مطابق نقشه جامع علمی کشور تصویب گردیده است (سند ملی توسعه فناوریهای فرهنگی و نرم: ۱۴۰۰). بر این پایه، میتوان این سند را به مثابه نقشه راه تحول در فناوری‌های فرهنگی و صنایع فرهنگی و خلاق ایران دانست. ضمناً این سند مجموعه‌ای از اهداف کمی و کیفی در افق زمانی ۱۴۰۴ را شامل شده است. اما نکته شایان توجه اینست که مطابق تصریح سند، سیاست‌گذاری کلان بر عهده دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و رصد اجرای آن بر عهده ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور است، البته راهبر اجرای این سند و در واقع «پیشران تحول در صنایع فرهنگی و خلاق ایران» همین ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم است. اما آیا این ستاد در ایفای نقش پیشرانی خود میتواند موفق عمل نماید؟

چالش نهاد پیشران

به نظر می‌رسد ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم در پیشرانی تحول در صنایع فرهنگی و خلاق ایران دچار چالش‌هایی جدی است. یکی از این چالش‌ها، ضعف جایگاه ستاد در زیست‌بوم سیاستی صنایع فرهنگی و خلاق است. واقعیت اینست که ستاد تنها مدعی حکمروایی این صنایع نیست، بلکه به ویژه در سال‌های اخیر با چالش «افزایش مدعیان تولی‌گری صنایع خلاق» روبرو شده است. صنایع خلاق مانند بسیاری از دیگر موضوعات میان‌حوزه‌ای و چند بعدی، محل ادعای تولی‌گری همزمان چند نهاد حاکمیتی از جمله سه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی و گردشگری و صنعت، معدن و تجارت (صمت) قرار گرفته است. به این مجموعه، وجود عناصر دغدغه‌مند در دستگاه‌های مختلف حاکمیتی و همچنین ظرفیت‌کنشگران مردمی را نیز بیافزایید که به پیچیدگی عرصه سیاست‌گذاری و راهبری تحول در صنایع خلاق افزوده است.

در کنار این چالش چند تولی‌گری، چالش «اعتبار و پذیرفتگی توسط بازیگران حکمروایی صنایع خلاق» نیز برای ستاد وجود دارد. ستاد یا هر سازمان دیگری برای راهبری، حکمروایی یا تنظیم‌گری در یک موضوع، نیازمند همکاری و تعامل دستگاه‌ها و بازیگران ذیربط آن موضوع است. این چالش در حالیکه ستاد اولاً با برخی از بازیگران دولتی، نظیر وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، صمت و میراث فرهنگی و گردشگری به دشواری وارد یک رابطه تنظیم‌گرانه می‌شود، ثانیاً مخدوش بودن تصویر تنظیم‌گرانه ستاد نزد نهادهای حاکمیتی، منجر به خدشه در این تصویر نزد کنشگران مردمی و بخش خصوصی می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی این بخش از مخاطبین ستاد نیز همکاری شایسته‌ای با آن شکل نمی‌دهند.

در نتیجه این چالش‌ها، ممکن است این راهکار پیشنهاد شود که نقش پیشرانی مذکور به یک نهاد دارای قدرت بیشتر در عرصه سیاست‌گذاری موکول شود، نظیر وزارت ارشاد یا ، و وزارت صمت. اما راهکار مذکور دارای حداقل سه مشکل است: نخست «کرختی» و کندی دیوانسالارانه این نهادها، دو دیگر مواجهه‌ی تک بعدی با این موضوع چند بعد و سه دیگر غفلت از رویکرد و گفتمان نوآورانه و فناورانه. مشکل نخست از این روی حائز اهمیت است که یک نهاد پیشران نیازمند «پویایی» و چالاک‌ی در فعالیت‌های سازمانی است، و افزون بر آن محتاج یک ارتباط پویا و گرم با ذینفعان و بازیگران است. به نظر می‌رسد غلبه ساختار قوام‌یافته، دیوانسالارانه و به دور از پویایی و خلاقیت که در وزارتخانه‌های نام‌برده به چشم می‌خورد، این گزینه‌های



پیشرانی را از امتیاز پویایی سازمانی و تعامل پویا و فراگیر با ذینفعان خالی نموده است. مشکل مواجهه‌ی تک بعدی نیز از آن روی بدیهی است که وزارتخانه‌های نامبرده از ابتدای تأسیس خود تا کنون، به نحو طبیعی یک مواجهه تخصصی با مسائل و موضوعات داشته‌اند و طبق این قاعده مواجهه، با موضوع چند بُعدی صنایع خلاق نیز مواجهه‌ای تک‌بعدی خواهند داشت. مشکل آخر، یعنی نبود یک رویکرد و گفتمان نوآورانه و فناورانه در این گزینه‌ها، واقعیتی محسوس است که البته می‌تواند برای جایگاه و نقش‌آفرینی این نهادها در روند پرشتاب توسعه فناوری و نوآوری چالش برانگیز باشد. حقیقت اینست که صنایع خلاق به واسطه ورود روز افزون عناصر نوآفرین، فناور و دانش‌بنیان به این عرصه، به ساحت علم، فناوری و نوآوری بیش از پیش گره خواهد خورد و برای پیشرانی تحول در این صنایع، گریزی از تجهیز به رویکرد دانش‌بنیان، نوآورانه و فناورانه نیست.

شورای عالی انقلاب فرهنگی و دامن زدن به آشفتگی

اما نهاد مهم دیگری که در میدان چند پاره حکمروایی صنایع فرهنگی و خلاق ایران نقش می‌آفریند، شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این شورا که شأنتی یکتا داشته و نقشی قرارگاهی در عرصه حکمروایی فرهنگ بر عهده دارد، نهادی است که به ویژه در دولت سیزدهم، ورودی جدی به حکمروایی خوشه‌های مختلف صنایع فرهنگی و خلاق نموده است. این شورا با دغدغه پیشبرد حکمروایی حوزه خطیر صنایع فرهنگی و خلاق، میزها و کارگروه‌های متعددی را در خوشه‌های مختلف این صنایع تشکیل داده است. گفتنی است که در امتداد تشکیل این میزها، شورا با اتخاذ رویکرد «سند نویسی» به تهیه اسناد متعدد به تفکیک خوشه‌ها همت گمارده است؛ از سند بازی‌های رایانه‌ای تا سند اسباب‌بازی و سند موسیقی که به تازگی مصوب و رونمایی گردیده است.

نفس دغدغه و ورود این شورای عالی اگرچه ارزنده است، اما چالش اساسی در خصوص این شورا، نقض غرض خود شورا در حکمروایی صنایع خلاق و فرهنگی است. در واقع این شورا که قبلاً سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم را تهیه نموده و ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم را به عنوان مأمور اجرایی‌سازی سند تعیین کرده است، اکنون در یک اقدام غیر موجه به تولید اسناد متعددی در زمینه فناوری‌های فرهنگی و نرم نموده که معلوم نیست نسبت این اسناد با سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم چیست؟ آیا نمیتوان توسعه خوشه‌های مختلف صنایع خلاق را ذیل سند مذکور تهیه نمود؟ این

تهیه اسناد متعدد در توازی یا تعارض با این سند مصوب قدیمی در شرایطی در حال رخ دادن است که ذیل این سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم، کارگروه‌های تخصصی متعددی در حال شکل‌گیری بوده است که در قالب این کارگروه‌ها، اجرایی‌سازی سند در موضوعات تخصصی مختلف و خوشه‌های گوناگون صنایع فرهنگی و خلاق در حال پیگیری بوده است.

چه باید کرد؟

برای تحقق یک تحول در حکمروایی، به ابزار نهادی محتاج هستیم که در قواره تحول‌گرایی باشد. چابکی، پویایی، آزادی عمل، نوآوری، تعریف درست و روزآمد مأموریت، و بینش راهبردی مناسب از لوازم این نهاد چابک به شمار می‌روند. لذا پیشنهاد می‌شود به طراحی و ایجاد یک نهاد پیشران تحول و با یک جانمایی مناسب در ساختار نظام اداری و سیاستی کشور بپردازیم. در خصوص ایجاد چنین نهادی، ما با برخی تجربیات نهادسازی در نظام مواجه هستیم. یکی از این موارد مجرب و شایان توجه، «معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری» است. ایجاد این نهاد نسبتاً جدید در ساختار قوه مجریه و



یادداشت‌ها

جانمایی آن ذیل نظر مستقیم ریاست جمهوری، تجربه‌ای از نهادسازی بوده که به گواه صاحب‌نظران از طیف‌های مختلف نظری و سیاسی، توفیقات انکارناپذیری در اجرای مأموریت خود یافته است. این نهاد به نسبت چابک و نوآور، در ارتباط‌گیری با ذینفعان و گرایش‌های مختلف ملی در راستای توسعه علم، فناوری و نوآوری در کشور موفق عمل نموده و این مأموریت را با توسعه متناسب نهادی به پیش برده است. با این اوصاف، الگوگیری از این نهاد می‌تواند برای طراحی نهاد پیشران تحول در صنایع فرهنگی و خلاق مطلوب باشد.

در امتداد بیان این تجربه، می‌توان به پیشنهاد سیاستی اندیشید که ستاد توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم با یک ارتقاء وضعیت، در جایگاهی نظیر جایگاه معاونت علمی و فناوری بازتعریف شود. با این بازتعریف، با آسیب نهادسازی مواجه نخواهیم شد، بلکه به دنبال بازطراحی و اصلاح وضعیت نهادی موجود در این مورد خواهیم بود. ضمناً در چنین حالتی، با حفظ شأن مشارکت و عاملیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص این ستاد و لحاظ نمودن اختیارات نظارتی، این شورا نیز در اداره این نهاد تحول‌گرای فرهنگی نقش‌آفرین خواهد بود.

چه نباید کرد؟

مهم‌ترین اقدام ممنوعه و خط قرمز در این باره، «پرهیز از تشمت و موازی‌کاری» است. در شرایطی که سند توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم، ظرفیت مناسبی برای توسعه انواع فناوری‌های نرم و خوشه‌های مختلف صنایع خلاق را داراست، ایجاد اسناد متعدد به بهانه تقویت حکمروایی فناوری‌های نرم و صنایع خلاق، خطایی سیاستی است. از لوازم انکارناپذیر ایجاد یک نهاد پیشران تحول، حفظ یکتایی و مرجعیت این نهاد در عرصه تخصصی حکمروایی مذکور است. لذا ممانعت از تشمت و چندپارگی امر حکمروایی صنایع فرهنگی و خلاق، آن هم در شرایطی که اساساً زمینه یک‌پارچگی ذیل سند مذکور وجود دارد، گریزناپذیر است؛ خواه هر گونه نهادی به عنوان پیشران تحول مذکور طراحی یا بازطراحی در نظر گرفته شود.

نهاد پیشران؛
کلید دولت چهاردهم برای
تحول در حکمرانی اقتصاد فرهنگ ایران

نوشته: محمدامین شفیعی‌خانی
پژوهشگر اندیشکده حرف

یادداشت



نشست‌ها

نخستین رویکردهای نوین در مدیریت پایدار سرزمین

همچنین به تشریح چالش‌های مدیریت پایدار سرزمین و ارائه راهکارهای نوین برای مقابله با آنها پرداخته شد و به موضوع بسیار مهم و اساسی «حکمرانی محیط زیستی» و نقش و مسئولیت دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و سایر ذینفعان در مدیریت و حفاظت از محیط زیست اشاره کردند که این مقوله به چگونگی تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اجرای قوانین در راستای دستیابی به توسعه پایدار مربوط می‌شود.

اندیشکده آب و محیط زیست پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف رویدادی سیاستی در تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ با عنوان رویکردهای نوین در مدیریت پایدار سرزمین برگزار کرد.

سخنران این رویداد جناب آقای **دکتر افشین دانه‌کار**، عضو هیات علمی گروه محیط زیست دانشگاه تهران، بودند و ابتدای جلسه با سخنان خانم زینب حسین نژاد دانشجو دکتری محیط زیست ارزیابی آمایش سرزمین آغاز شد و ایشان به مقدمه‌ای از مدیریت پایدار سرزمین و ضرورت و اهمیت آن پرداختند.

در ادامه آقای دکتر **دانه‌کار** به تعریف سرزمین، خدمات و عملکرد اکوسیستمی و مفهوم آن در حوزه برنامه‌ریزی به منظور رسیدن به پایداری پرداختند و اشاره کردند پایداری تولیدات انسانی وابسته به خدمات اکوسیستم و پایداری خدمات اکوسیستمی وابسته به ساختار و فرایندهای اکوسیستم است. وی در ادامه به مدیریت سرزمین و تحولات مدیریت سرزمین در طول زمان و مسائل و مشکلات مدیریت پایدار سرزمین پرداختند و از یک رویکرد متداول دی‌پی‌اس‌آی‌آر، که به بررسی پیش‌ران‌ها، فشارها، شرایط، اثرات و تدابیر می‌پردازد، استفاده کردند. این رویکرد به مدیران و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا با شناسایی عوامل مختلف تأثیرگذار بر مدیریت پایدار سرزمین، تدابیر مدیریتی مناسب را از طریق مشارکت و همکاری با ذینفعان مختلف طراحی و اجرا کنند.

SPRI EVENTS (رویدادهای سیاستی شریف/ریش)



رویکردهای نوین در مدیریت پایدار سرزمین

سه‌شنبه ۲۹ خرداد | ۱۸:۰۰ تا ۲۱:۰۰

سرفصل‌ها:

- مفهوم سرزمین: ساختار، فرایندها، عملکردها و واحدهای برنامه‌ریزی
- خدمات اکوسیستمی و مدیریت سرزمین: رویکردها و تحولات
- مشکلات، راهکارها و الزامات مدیریت پایدار سرزمین

افشین دانه‌کار
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

LIVE (۵۰)

پخش زنده از لینک زیر:
[HTTPS://VC.SHARIF.EDU/CH/SPRI](https://vc.sharif.edu/ch/spri)



نقش عدم توسعه اکتشافات سنگ آهن؛ چالش آینده صنعت فولاد

وی بر حمایت از ورود تجهیزات و تکنولوژی‌های جدید و تخصیص بودجه برای اکتشافات نیز تأکید نمود. دکتر افرایی به تأثیر سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت بر توسعه معادن پرداختند و به مشکلاتی مانند ناترازی انرژی و کمبود گاز اشاره کردند. همچنین ایشان بر حمایت دولت در مراحل مختلف اکتشاف و شناسایی ذخایر جدید را ضروری دانستند.

دکتر مدبری نیز به مقایسه ذخایر معدنی ایران با کشورهای همسایه پرداختند و پیشنهاد کردند که ایران با افغانستان همکاری کند تا کمبودهای خود را جبران کرده و تأمین مواد اولیه صنایع معدنی را از این کشور انجام دهد. وی همچنین به اهمیت استفاده از نوآوری‌ها و فناوری‌های جدید برای غلبه بر چالش‌های موجود در اکتشافات سنگ آهن اشاره کردند و اظهار داشتند که کشورهای پیشرفته مانند استرالیا و شیلی از روش‌های شناسایی آزمایشی و تجهیزات مدرن برای کاهش هزینه‌های اکتشافی و افزایش دقت استفاده می‌کنند. همچنین **مهندس شمس‌الدینی** بر اهمیت بهره‌گیری از تجربیات کشورهای معدنی مانند استرالیا و ترکیه تأکید کرده و توضیح دادند که این کشورها با استفاده از روش‌های جدید شناسایی آزمایشی و تجهیزات مدرن، هزینه‌های اکتشافی را کاهش و دقت آن‌ها را افزایش داده‌اند. ایشان همچنین بر اهمیت حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده از تکنولوژی‌های جدید تأکید کردند. در پایان، هر یک از مهمانان به جمع‌بندی مباحث خود پرداختند و نکات کلیدی را بازگو کردند و بر اهمیت برگزاری نشست‌هایی از این قبیل تأکید کردند.



در اولین نشست سیاستی اندیشکده معدن و صنایع معدنی با موضوع "عدم توسعه اکتشافات سنگ آهن؛ چالش آینده صنعت فولاد" که در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ در پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف با حضور حدود ۳۰ بیننده برگزار شد. **حسین صادقیان** پژوهشگر اندیشکده معدن و صنایع معدنی و دبیر نشست، به بررسی نقش صنعت آهن و فولاد در پیشرفت صنعتی کشورها پرداخت و تصریح کرد که اکتشافات سنگ آهن، به عنوان نخستین مرحله در زنجیره ارزش صنعت فولاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این نشست، **دکتر مدبری** دانشیار دانشکده زمین شناسی دانشگاه تهران، دکتر افرایی استادیار دانشکده مهندسی معدن دانشگاه صنعتی امیرکبیر و مهندس شمس‌الدینی مدیر اکتشافات و توسعه معادن شرکت سنگ آهن گهرزمین نیز به بررسی جوانب مختلف پیرامون اکتشافات سنگ آهن پرداختند.

در ابتدا **دکتر مدبری** با تشریح وضعیت کلی ذخایر سنگ آهن ایران و اشاره به رتبه هشتم کشور از نظر ذخایر سنگ آهن، توضیح دادند که ذخایر سنگ آهن ایران عمدتاً از نوع ماگمایی هستند، در حالی که ذخایر جهانی بیشتر رسوبی‌اند. وی به پراکندگی این ذخایر در مناطقی مانند بافق، گل‌گهر و سنگان و... اشاره کردند و بر ضرورت به‌روزرسانی نقشه‌های زمین‌شناسی و ارزیابی هم‌زمان ارزش‌های زیست‌محیطی و معدنی تأکید نمودند. دکتر افرایی بر اهمیت داشتن اطلاعات پایه و داده‌های اکتشافی دقیق برای شناسایی و بهره‌برداری بهینه از معادن تأکید کردند و به مشکلات مرتبط با واگذاری و تعیین تکلیف محدوده‌های اکتشافی پرداختند. ایشان پیشنهاد کردند که برای جذب سرمایه‌گذاری جدید، باید داده‌های پایه تهیه و به‌روزرسانی شوند. مهندس شمس‌الدینی نیز به تأثیر منفی ناپایداری اقتصادی و تحریم‌ها بر کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و مشکلات معارضین محلی، قوانین پرداخت و بر اهمیت انتشار داده‌های اکتشافی دقیق تأکید کردند. ایشان همچنین وضعیت ذخایر منطقه گل‌گهر را بررسی و به چالش‌های توسعه و تأمین سنگ آهن در این منطقه پرداختند.

همچنین در ادامه نشست **دکتر مدبری** درباره نقش دانشگاه در توسعه اکتشافات سنگ آهن اظهار داشتند که دانشگاه‌ها نقش مهمی در این حوزه ایفا می‌کنند. ایشان به مشکلات فردمحوری و کمبود تجهیزات آزمایشگاهی به دلیل تحریم‌ها اشاره کردند و پیشنهاد دادند که اتاق فکری از اساتید دانشگاهی برای بهره‌برداری از خرد جمعی و کارگروهی تشکیل شود. دکتر افرایی نیز به مشکل نبود نیروی کارشناسی ماندگار در شرکت‌ها و نیاز به ارتباط هدفمند دانشگاه‌ها با صنعت پرداختند و پیشنهاد کردند که صنعت باید نیازهای پژوهشی خود را به دانشگاه‌ها معرفی کرده و دانشگاه‌ها این نیازها را سریعاً پاسخ دهند. **مهندس شمس‌الدینی** نیز بر کمبود نیروی انسانی متخصص تأکید کرده و ضرورت تدوین طرحی پنج‌ساله برای تقویت بنیه علمی و تخصصی زمین‌شناسی و معدن کشور را مطرح نمودند.

بررسی سیاست‌های حمایتی دولت در زمینه اکتشافات سنگ آهن از دیگر مباحث مطرح شده در این نشست بود. در همین زمینه **مهندس شمس‌الدینی** بر ضرورت ایجاد پایگاه داده‌ای به‌روز و در اختیار گذاشتن رایگان اطلاعات به فعالان معدنی و اکتشافی به عنوان اولین گام در نقش حاکمیت تأکید کردند.



نخستین نشست باشگاه مدافعان اقتصاد مردمی

گروه‌های میانی است که هم‌آگاه از زنجیره کسب‌وکارها هستند و هم می‌توانند این نگاه را در قالب خدمات به سایر مشاغل انتقال بدهند.

میرزایی افزود: نهادهای واسطی که از آنها سخن به میان آوردیم (از جمله بازرسی، حقوقی و اداری، بازرگانی، ارزیابی و حتی تولید مفاهیم و ادبیات و...) نقش فعالی در موفقیت اقتصادی مردم و بازارهای کسب‌وکار دارد. خود این نهادها هویت مردمی دارند.

وی گفت: باین‌وصف، دولت باید سمت نظارت عالی و سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری و ارزیابی کلان برود و باز برای انجام باکیفیت و چابک همه آنها نیازمند نهادهای واسط مردمی است. وی تأکید کرد: رشد کسب‌وکارهای مردمی و رفاه در گروه تنوع و کیفیت خدمات است؛ لذا وجود مشاغل مردمی در لایه خدمات بسیار پر اهمیت است. آنها ضمن رونق دهی به حرکت‌های اقتصادی مردم، دولت را در جایگاه یک نهاد تنظیم‌گری کلان به‌عنوان سامان‌بخش کسب‌وکارها تقویت می‌کنند؛ پس یکی از مهم‌ترین الزامات مردمی‌شدن اقتصاد، توسعه چنین نهادهایی است که خود سبب استحکام اقتصادی یک کشور می‌شوند.

میرزایی تصریح کرد: به عبارتی اگر بنا باشد در یک کشور، گشایش اقتصادی و افزایش بهره‌وری رخ دهد نهادهای چابک‌کننده فعالیت‌ها از دل خود مردم نیاز است؛ این نهادها آن‌قدر جای رشد و توسعه دارند که اگر مشاغل متناسب با این فضا را بررسی کنیم احتمالاً عدد آن بسیار بالاتر از مشاغل متداول خواهد شد. وی در پایان افزود: گام بعد که به ریشه‌دار شدن این نهادها کمک می‌کند، تولید ادبیات است؛ دانشگاه‌ها و سایر نهادهای علمی و اندیشه‌ای وظیفه تولید ادبیات و مبانی نظری را به عهده دارند. در نهایت به‌رسمیت‌شناختن این نهادها توسط دولت ضامن قوت و موفقیت این نهادهاست.

سیده صدیقه سید حسینی، مدیرعامل آکادمی آباوید به‌عنوان سخنران بعدی نشست در توضیح فعالیت‌های

به گزارش خبرنگار اقتصادی شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا؛

هشتمین نشست باشگاه مدافعان اقتصاد مردمی با عنوان **مدرسه تولید و با موضوع آگاه‌سازی مردمی در ایجاد امنیت اقتصادی** برگزار شد. این نشست تخصصی روز سه‌شنبه ۱۲ تیرماه، در فن‌گاه وزارت صمت به میزبانی باشگاه مدافعان اقتصاد مردمی با حضور گزیده‌ای از مدیران خبره و نمونه، اساتید اندیشه‌ورزی، کارآفرینان موفق و پژوهشگران، باهدف استخراج مسئولیت‌های کلان دولت آینده در خصوص ایجاد تحرک آگاهانه در بدنه مردمی اقتصاد برگزار شد.

میثم مسعودیان نماینده حلقه‌های میانی در گفتمان‌سازی اقتصاد مردمی، مدیر باشگاه و دبیر جلسه در ابتدای نشست، اظهار کرد: جمعی که در این جلسه حاضرند گزیده‌ای از مدیران خبره و نمونه، اساتید اندیشه‌ورزی، کارآفرینان موفق و پژوهشگران و علاقه‌مندان هستند.

وی ادامه داد: در این جلسه به بررسی از مسئولیت‌های یک دولت تراز در قبال اقتصاد مردمی خواهیم پرداخت و آن مسئولیت آگاه‌سازی است؛ در حقیقت قصد داریم به نقش آگاه‌سازی اجتماعی در تحرک فعالیت‌های اقتصادی مردم بپردازیم؛ وقتی می‌گوییم آگاه‌سازی به معنای اعم آن است؛ یعنی آموزش، مهارت، تبیین قوانین، اعلام فرصت‌ها، اتصال نظام دانش به‌نظام صنعتی و اقتصادی و الگوهای موفق مردمی.

مسعودیان گفت: از استاد ارجمند جناب آقای میرزایی این پرسش را دارم که جایگاه آگاه‌سازی در ایجاد امنیت اقتصاد مردمی چیست؟ و دولت بایستی چه نقشی را ایفا کند؟

صابر میرزایی، معاون پژوهش و توسعه مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست‌جمهوری در پاسخ اظهار داشت: ما در روزگاری به سر می‌بریم که سمت‌وسوی فناوری‌ها و مشاغل به‌سوی مسائل اجتماعی است و لذا میدان جامعی به نام اقتصاد نیز از این قاعده پیروی می‌کند. وی ادامه داد: چه کنیم که فضای تعاملات اقتصادی امن باشد؟! پاسخ این پرسش در

اظهار داشت: در مورد دولت، بهترین نقش برای دولت، نگاه به حرکت‌های موفق پیش‌رانه‌ای مردم‌نهاد اقتصاد است. اگر نگاه این باشد آنگاه الگوهای ارائه‌شونده الگوهای درست، قوی و پویا خواهد بود. دولت بایستی با فهم سامانه‌ها در نهادهای مردمی مذکور، قواعد خدمات میانجی به زنجیره مشاغل را درک و تدوین کند؛ لذا فهم و بازنشر و الگوسازی ریشه‌ای‌ترین نگاه دولت باید باشد. به عبارتی رویکرد اصلی دولت در تقنین بایستی تمرکز بر الگوی بومی و استخراج دانش ضمنی الگوهای موفق باشد.

و سخنران محترم در تکمیل مباحث پیشین، با ارائه یک دیدگاه نوآورانه، بر لزوم بازنگری در نقش دانشگاه‌ها در جامعه تاکید نمودند. ایشان معتقدند که دانشگاه‌ها علاوه بر وظایف آموزشی و پژوهشی، می‌توانند با شناسایی و حل مسائل جامعه، نقش موثری در توسعه پایدار ایفا نمایند. در این راستا، ایشان پیشنهاد نمودند که دانشگاه‌ها با استخراج و ترویج الگوهای موفق در بین مردم، به عنوان الگویی برای سایر بخش‌های جامعه عمل نمایند.

یزدی در پایان گفت: نکته دیگر، تمرکز روی صنایع کوچک و متوسط توسط دولت است چه در برنامه‌ریزی و چه در اجرای

این آکادمی گفت: مجموعه آباوید یک مرکز تخصصی آموزش و توانمندسازی نیروی کار است. حوزه اصلی فعالیت آباوید آموزش تخصصی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی است. وی ادامه داد: بسیاری از افراد بدون داشتن آگاهی وارد مشاغل می‌شوند و پس از مدتی به دلیل عدم آشنایی با فرایندهای مختلف زنجیره به بن‌بست می‌خورند، آباوید با شبکه‌ای از متخصصین مختلف از یک سو و شبکه‌ای از متقاضیان کسب‌وکار از سوی دیگر درصدد رفع این معضل است.

وی افزود: بررسی فضای کسب‌وکار، بررسی فرصت‌های اشتغال‌زایی، مطالعات بهره‌ور سازی، آموزش بهینه‌سازی تولید، خدمات مشاوره حقوقی و مالی، کمک به بازاریابی و حتی صادرات و حمل‌ونقل کالا از مهم‌ترین زمینه‌های آموزش و توانمندسازی است که آباوید روی آن تمرکز دارد. وی تصریح کرد: آباوید به‌عنوان یک نمونه موفق از کسب‌وکارهای میانی که مسئولیت خود را آگاه‌سازی صاحبان و علاقه‌مندان کسب‌وکار می‌داند تا به‌حال خدمات زیادی در راه افزایش کسب‌وکارهای مولد داشته است.

نجم‌الدین یزدی، قائم مقام اندیشکده صنعت و توسعه پایدار پژوهشکده سیاست‌گذاری شریف نیز در این نشست



نقش پویش‌های اجتماعی تاثیرگذار و تحول‌آفرین محلی

توسعه پایدار بدون نقش‌آفرینی و مشارکت فعال اعضای جامعه در بهبود سرنوشت خود محقق نخواهد شد. در بسیاری از شهرهای کوچک، نواحی روستایی و عشایری و نیز محله‌های شهرهای بزرگ، در سالیان گذشته، پویش‌ها و فعالیت‌های جمعی مشترکی با اهداف اجتماعی برای حل یک مسئله مشترک یا ایجاد یک تحول مثبت در جامعه محلی شکل گرفته است. این سبک فعالیت‌ها می‌تواند هم به انسجام اجتماعی در جوامع محلی کمک کند و هم امید و انگیزه را برای بهبود شرایط کار و زندگی در یک منطقه به ارمغان بیاورد.

مدرسه توسعه پایدار در این رویداد دو روزه، قصد داشت که با معرفی برخی پویش‌های مردمی «الهام‌بخش» و دارای درس‌آموخته از گوشه و کنار کشور، به رشد انگیزه، دانش و بینش مخاطبان خود و به ویژه فعالین اجتماعی جهت طراحی و اجرای موثر چنین فعالیت‌هایی در نقاط مختلف کشور یاری برساند. این پویش‌ها می‌توانند برای کمک به یک مساله محیط زیستی شکل گرفته باشند و یا به یک معضل اجتماعی و فرهنگی بپردازند؛ اما وجه مهم‌شان مردمی بودن و مشارکت گسترده ساکنین و نهادهای جوامع محلی برای موفقیت آن است. در واقع تحقق این پویش‌ها بدون مشارکت مردمی محقق نخواهد شد. چنین پویش‌هایی با هدف تغییر نگرش و رفتار ساکنین جوامع محلی در جهت ساختن یک محیط بهتر برای زندگی از نظر شاخصه‌های توسعه پایدار رخ می‌دهد. البته مادامی که ماهیت پویش تغییر پیدا نکند، ایرادی ندارد که برای تامین منابع مالی پویش از کمک‌های دولتی یا بخش خصوصی استفاده شود. آنچه که قابل توجه است مردمی بودن این پویش‌ها است، یعنی ایده و اجرا تماما توسط اهالی محلی و در راستای حل مساله اجتماعی منطقه خود صورت گرفته باشد.

راه‌اندازی چنین پویش‌هایی اگرچه جذاب به نظر می‌رسد، اما دشواری‌ها و ملاحظات خاص خود را هم برای نیل به موفقیت به همراه دارد. در نظر نگرفتن این ملاحظات، سبب شده که ما در سالیان گذشته نمونه‌های متعدد ناموفقی از تلاش برای ایجاد یک جریان مثبت اجتماعی در گوشه و کنار کشور داشته باشیم که تنها روی کاغذ، در شبکه‌های اجتماعی یا در اخبار از آنها شنیدیم ولی

حمایت‌ها، قوانینی که اجازه فعالیت بالنده را بدهد؛ قوانینی که رفع موانع می‌کنند نه خود یک مانع باشند تحت عنوان مجوز. مدیران و تصمیم‌گیرندگان دولتی بایستی به آثار سازنده مشارکت فراگیر آحاد مردم در اقتصاد باور داشته باشند؛ با مدل‌های نوین می‌توان ضمن حمایت از میدان‌داران کسب‌وکارها (حلقه‌های میانی اقتصادی) به سایر مردم که قدرت کارآفرینی و یا مدیریت ندارند کمک کرد.

در جریان نشست، جناب آقای هادی فلاحی، مدیرکل محترم اشتغال و سرمایه‌گذاری معاونت توسعه روستایی مناطق محروم کشور، ضمن تشریح اهمیت تقویت بوم‌سازمان‌های محلی، از طرح جامع نپکا به عنوان ابزاری کارآمد برای ارتقای کسب‌وکارهای مردمی یاد کردند. این طرح با رویکردی چند وجهی و با تمرکز بر هشت محور کلیدی، به دنبال ایجاد بستری مناسب برای شکوفایی استعدادهای کارآفرینانه روستاییان است. محورهای مذکور شامل ابعاد مالی، حقوقی، فنی، رسانه‌ای، تجاری، آموزشی، فرهنگی و لجستیکی کسب‌وکارها می‌شود.



های محیط زیستی، سلامت و حقوق شهروندی در اراک و با هدف متوقف کردن مازوت سوزی و جابجایی نیروگاه حرارتی شازند شروع به فعالیت کرد و تا ۲۳ اسفند ماه ادامه داشت. ایجاد حساسیت در سطح کشور و خارج از کشور، شروع پیگیری های سوخت جایگزین از ابتدای سال، بررسی جابجایی نیروگاه حرارتی شازند در کارگروه ماده ۱۴ قانون هوای پاک بخشی از دستاوردهای این پویش بوده است.

در قسمت پایانی نشست آقای دکتر ایمانی به اهمیت و نقش پویش های محلی تحول آفرین در آینده مناطق کوچک کشور به خصوص مناطق کم برخوردار، نکات لازم برای ایجاد و راه اندازی پویش های محلی، نحوه اداره مناسب و اثربخشی بهتر فعالیت‌ها و پویش های محلی، موانع و یا فرصت‌های شکل‌گیری فعالیت ها و پویش های محلی تحول آفرین و... پرداختند.

در میدان عمل نتوانستند بسیج مردمی قابل توجهی ایجاد کنند و در تحقق اهداف خود شکست خوردند. از سوی دیگر، مواردی هم از تجارب نسبتاً موفق وجود دارد که می‌توانند الهام‌بخش دغدغه‌مندان اجتماعی در گوشه و کنار کشور عزیزمان باشند. از این رو، سوال اصلی رویداد فوق این است که برای طراحی، اجرا و اداره موفقیت آمیز پویش‌های اجتماعی در جوامع محلی چه نکات و ملاحظات را بایستی در نظر گرفت.

در این رویداد در بخش اول به برخی از تجارب و پویش های اجتماعی محلی پرداخته شد و پویش های اجتماعی محلی در نقاط مختلف ایران به ارائه تجارب خود پرداختند. در قسمت دوم نشست به بررسی تخصصی چرایی و چگونگی راه اندازی چنین پویش هایی مورد بررسی قرار گرفت.

پویش کهنوج بدون پلاستیک

پویش کهنوج بدون پلاستیک یک برنامه مستمر است و به صورت دوره‌ای اجرا می‌شود. ایران یکی از کشورهای پر مصرف اقلام پلاستیکی یک‌بار مصرف در دنیا است. با اجرای موفق پویش "نه به پلاستیک" در محیط دفاتر و نیروگاه‌های ماهتاب، از اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ پویش کهنوج بدون پلاستیک شکل گرفت.

پویش تفنگ سبز اورامان

پویش تفنگ سبز در منطقه مریوان و هورامان با هدف حفاظت از تنوع زیستی در سال ۱۳۹۱ شروع و در ۲ اسفند سال ۱۳۹۲ و بعد از آموزش بیش از ۲۰۰ روستا با شکستن اسلحه شکاری توسط کاک احمد عزیزی به ثمر نشست.

پویش گلباف من

گلباف من، یک پویش مردمی است که هدفش جلب مشارکت مردمی و ایجاد جریان اجتماعی جهت رقم زدن آینده ای بهتر برای منطقه گلباف در استان کرمان و ذیل برنامه توسعه منطقه ای اجرا گردید. این پویش در سال های ۹۵ تا ۹۸ در گلباف اجرا شده است. پویش گلباف من، یک جریان ادامه دار است و در طول مسیر خود، از ابزارهای مختلف نظیر مسابقه، فراخوان، جشنواره، کارگاه و ... جهت همراهی بیشتر و قدرتمندتر علاقه مندان گلباف، بهره گرفته است.

پویش مخالفت با مازوت سوزی در اراک

پویش سه شنبه های اعتراضی از ۱۲ دی ماه ۱۴۰۲ توسط انجمن

SPRI EVENTS رویدادهای سیاستی شریف

سلسله رویدادهای
۱۱۲
«توسعه پایدار برای ایران»

پویش‌های اجتماعی تاثیرگذار و تحول آفرین محلی

بررسی تجارب منتخب و درس‌آموخته‌ها

| پنج‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - ساعت ۱۶:۰۰ الی ۲۰:۰۰ |



محدثه فارسی
پویش کهنوج بدون پلاستیک



کوروش بختیاری
پویش مخالفت با مازوت سوزی در اراک



حسین ایمانی چجرمی
استاد دانشکده علوم اجتماعی
دانشگاه تهران



مظفر حسینی
پویش تفنگ سبز در اورامان



هامون طهماسبی
پویش گلباف من



زینب شهبازی
پژوهشگر توسعه محلی

ثبت‌نام و جزئیات بیشتر
sdschool.ir/socialcamp
به صورت مجازی






نخ: بازخوانی کارنامه ۳۰ ساله دامنه دات‌آی‌آر

اختصاص دامنه کشوری دات‌آی‌آر به ایران

سیاوش شهشهانی درباره دوران ورود به اینترنت می‌گوید: ما سال ۱۹۹۲ وارد شبکه اینترنت شدیم ولی قبل از آن از شبکه بیت‌نت استفاده می‌کردیم. در ۱ دی ۱۳۶۹ ما وارد شبکه شدیم و آدرس‌ها تمام بیت‌نت بود و بعد از آن مهاجرت به اینترنت انجام گرفت و در مرکز پژوهش‌های بنیادی پروتکل تی‌پی‌سی/آی‌پی پیاده‌سازی شد. ما در اسفند سال ۱۳۷۲ رسماً وارد اینترنت شدیم و در ابتدا بخشی از شبکه اتریش بودیم. وقتی وارد اینترنت شدیم آدرس خودمان را نداشتیم. در آن زمان ارتباط ما با دانشگاه وین از طریق یک خط استیجاری ۲۶۰۰ بیت انجام می‌شد. آقای مشایخ که رئیس بخش شبکه و کامپیوتر مرکز پژوهش‌های بنیادی بود با اینترنتیک نامه‌نگاری کردند که بتوانیم نام دامنه خودمان را بگیریم و در فروردین سال ۱۳۷۳ دامنه‌ی دات‌آی‌آر به ایران اختصاص داده شد. در سال ۱۳۷۲ در آراف‌سی ۱۵۹۱ قوانین تفویض دامنه توسط



شخصی به نام جاناتان پاستل تدوین شد. ایشان عضو مؤسسه تحقیقاتی استنفورد بود و تمام اسامی و دامنه‌های اینترنت را شخصاً تفویض می‌کرد.

مخالفت با کسب دامنه کشوری دات‌آی‌آر

شهشهانی درباره دریافت مجوز استفاده از دامنه کشوری به یک مخالفت عجیب اشاره می‌کند و می‌گوید: زمانی که ما درخواست کردیم تصدی اینترنت برعهده شاخه‌ای از بنیاد ملی علوم آمریکا بود. در این مرکز شخصی به نام استیو گلداستاین بود که ما چندین بار با ایشان برخوردهای تندی داشتیم. ایشان با تفویض دامنه دات‌آی‌آر به ایران مخالفت می‌کرد. ما در آن زمان به مجمع اینترنت نامه نوشتیم که نسبت به امروز بسیار معتبرتر بود و در زمینه اینترنت حرف اول را می‌زد. معاون این مجمع فردی به نام تونی رادکافسکی بود. که علاوه بر دانش کامپیوتر، حقوق هم خوانده بود. او شدیداً از ما حمایت کرد. بعداً فهمیدیم که جاناتان پاستل هم که طرفدار بین‌المللی شدن و مخالف انحصارگرایی آمریکا بود از ما حمایت کرده است.

سرانجام دامنه دات‌آی‌آر در فروردین سال ۱۳۷۳ دامنه به ایران تفویض شد. ما صد و دهمین دامنه سطح بالای کشوری (سی‌سی‌تی‌دی‌ال) بودیم و فکر می‌کنم حدود ۲۵۰ دامنه سی‌سی‌تی‌دی‌ال ثبت شده است. عده‌ای به اشتباه فکر می‌کنند اگر ما این دامنه را نگرفته بودیم ممکن بود ایرلند برای آن اقدام کند در صورتی که این کدها دارای استاندارد بین‌المللی هستند.

قائم‌مقام اسبق پژوهشگاه دانش‌های بنیادی ایران درباره دریافت این دمنه در این پژوهشگاه می‌گوید: آراف‌سی ۱۵۹۱ هنوز هم کامل‌ترین آئین‌نامه برای دامین‌ها است و در آن نوشته شده است جایی که دامنه به آن تفویض می‌شود باید نشان دهد در آن کشور بی‌طرفانه رفتار می‌کند یعنی بین متقاضیان تبعیض قائل نمی‌شود و در ضمن به توسعه

ایران دی‌پی‌آی. این دو تا مدت‌ها تنها شرکت‌هایی بودند که تحت این دامنه فعالیت می‌کردند.

اولین چالش‌های ثبت دامنه

شهشانی معتقد است تعیین مرجع حل اختلاف یکی از اولین چالش‌های ثبت دامنه آی‌آر در ایران بود. او می‌گوید: آن زمان فکر نمی‌کردیم که این دامنه‌ها رونق پیدا کنند و به آن‌ها نگاه فرمالیته داشتیم. بعداً به تدریج متوجه شدیم دامنه‌های کشوری در حال توسعه هستند و مقررات آن‌ها در حال تغییر است. دیدیم بعضی از کشورها به‌طور مستقیم تحت دامنه‌های سطح بالا در حال ثبت دامین هستند. یکی از چالش‌های مهم این بود که اگر دامنه‌ای را به کسی واگذار کردیم و شخص دیگری مدعی همان نام شد چکار باید بکنیم؟ یا اگر اختلاف پیش آمد چه مرجعی برای حل اختلاف وجود دارد؟ چه مجوزی باید یک شخص داشته باشد تا بتواند دامنه بگیرد؟ اما به‌طور کلی ثبت دامنه بسیار دشوار بود و یک شخص معمولی نمی‌توانست دامنه ثبت کند.

او در ادامه می‌گوید: در سال ۱۳۷۶ که آی‌سی‌ای‌ان‌ان تأسیس شد یکی از اولین کارهایی که انجام دادند این بود که با همکاری دبلیو‌آی‌پی‌ا در ژنو یک سری مقررات برای حل اختلاف و حقوق

اینترنت کمک می‌کند. به‌طور کلی در آن زمان محیط‌های مرتبط با اینترنت بسیار آکادمیک بود و مقررات سختی نداشتند. ما هم دیدیم مدعی دیگری برای اینترنت در ایران وجود ندارد و برای آن اقدام کردیم.

سیاوش شهشانی در صحبت‌های خود به اولین روزهای دریافت دامنه سطح کشوری آی‌آر اشاره می‌کند که امکان استفاده مستقیم از آن وجود نداشت، او می‌گوید: در آن زمان کسی فکر نمی‌کرد دامنه‌های کشوری رونق پیدا کند. بعد از اینکه دامنه آی‌آر مشخص شد ما چهار ساب‌دامین را مشخص کردیم که شامل ای‌سی‌دات‌آی‌آر برای مراکز علمی، سی‌اُ دات‌آی‌آر برای شرکت‌ها، اُآر دات‌آی‌آر برای سازمان‌ها و نت‌دات‌آی‌آر برای شرکت‌های اطلاع‌رسانی و غیره بود. در آن زمان کسی نمی‌توانست مستقیماً تحت دات‌آی‌آر دامنه ثبت کند و باید زیر یکی از این زیردامنه‌ها قرار می‌گرفت. در آن زمان تنش بین ایران و آمریکا در حال افزایش بود و نگران بودیم اگر سازمان‌های دولتی را جی‌اُوی بگذاریم مشکلات دیگری ایجاد شود به همین دلیل از اُآر برای سازمان‌ها و نهادهای دولتی هم استفاده می‌کردیم.

اولین دامنه‌های ثبت‌شده در ایران

دامنه ای‌سی‌دات‌آر برای اولین بار توسط دانشگاه صنعتی اصفهان استفاده شد و بعد از آن هم مؤسسه زلزله‌شناسی از این دامنه استفاده کرد. در بخش نت‌دات‌آی‌آر نیز دو شرکت دامنه تهیه کردند که یکی از آن‌ها ندا بود و دیگری داده‌پردازی ایران.

شهشانی از پیچیدگی‌های فراوان ثبت دامنه یاد می‌کند که امکان آن برای هر کس فراهم نبود. او می‌گوید: برای ثبت دامنه، متقاضیان باید برگه ثبت شرکت را می‌آوردند و ما آن را با ثبت‌شرکت‌ها چک می‌کردیم که تقلبی نباشند. از ترس اینکه مبدا یک مدعی پیدا شود و کار را به دادگاه بکشاند خیلی فرآیند سخت و دشواری داشت.

دامنه ای‌سی‌دات‌آی‌آر برای اولین بار توسط دانشگاه صنعتی اصفهان استفاده شد و بعد از آن هم مؤسسه زلزله‌شناسی از این دامنه استفاده کرد. در بخش نت‌دات‌آی‌آر نیز دو شرکت دامنه تهیه کردند که یکی از آن‌ها ندا بود و دیگری داده‌پردازی

رویدادهای سیاستی شریف ۱۱۶
رویداده ۲۴

SPRI EVENTS



آزمایشگاه داده و حکمرانی با همکاری رصدخانه اقتصاد دیجیتال (راد) شریف برگزار می‌کند:

دامنه دات‌آی‌آر (.IR)

بازخوانی یک کارنامه ۳۰ ساله

چهارشنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۳ ساعت ۹ الی ۱۱

پژوهشگاه سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف
مکان: آزمایشگاه داده و حکمرانی



احسان امینی
پژوهشگر حکمرانی فضای مجازی



بهروز عباس‌زاده
معاون ارشد مدیریت یکپارچه شبکه ملی اطلاعات



سیاوش شهشانی
استاد ریاضیات دانشگاه صنعتی شریف
فاندمتاس اسبق پژوهشگاه دانش‌های بنیادی ایران

آدرس: تهران، خیابان حبیب‌اللهی، چهارراه تیموری، ورودی جنب پارکینگ شریف، جنب دانشکده مکانیک، پژوهشگاه سیاست‌گذاری شریف، سالن کنفرانس






مالکیت معنوی تدوین کردند. ما متوجه شدیم کشورهایی که

ثبت دامنه را آزاد کرده‌اند از یک سری قوانین حقوقی پیروی می‌کنند و به‌جای اینکه اختلافات را در دادگاه‌های کشوری ببرند، که ممکن است رسیدگی به آن‌ها ماه‌ها طول بکشد، آن‌ها را به خود دبلیو‌آی‌پی ارجاع می‌دهند. اگر در زمان ثبت دامنه افراد قوانین دبلیو‌آی‌پی را قبول می‌کردند آن‌ها نیز داوری اختلافات را به‌عهده می‌گرفتند و قبول این داوری برای مؤسسه ثبت دامنه الزامی بود. البته مرجع کشوری می‌توانست این داوری‌ها را رد کند و نظر مرجع کشوری نسبت به این داوری‌ها ارجح بود. ما به این فکر افتادیم که برای توسعه دامنه‌های ایرانی نیاز به کار مشابهی داریم البته در خود مرکز پژوهش‌های بنیادی بحث‌هایی بود که به‌دنبال این کار برویم یا خیر.

نقش کارگزارها و توسعه دامنه‌های آی‌آر

در مرداد سال ۱۳۸۳ که آغاز کار کارگزارها بود تعداد دامنه‌ها به ۸ هزار دامنه رسید. با اینکه رشد کرده بود ولی تعداد کمی بود. یک‌سال بعد به ۲۵ هزار دامنه رسید و کارگزارها واقعاً فعال بودند.

اولین گام‌های اینترنت در اران

آقای بهروز عباسزاده، معاون اداره کل مدیریت یکپارچه شبکه ملی اطلاعات، در سخنانی به تشریح چگونگی شکل‌گیری زیرساخت‌های اولیه اینترنت در ایران پرداختند. ایشان بیان داشتند که در ابتدا، امور مرتبط با شبکه موبایل و اینترنت به صورت جداگانه و توسط دو مجموعه مختلف اداره می‌شد. با برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران، نخستین خط اینترنتی با ظرفیت دو مگابیت بر ثانیه از طریق یک روتر سیسکو تأمین شد. این روتر که در ابتدا در محل برگزاری کنفرانس نصب شده بود، پس از اتمام کنفرانس به ساختمان شرکت ارتباطات زرساخت منتقل گردید. به گفته آقای عباسزاده، ورود ایشان به دنیای اینترنت از همین روتر آغاز شده است. در ادامه، با افزایش تقاضا برای دسترسی به اینترنت، تجهیزات پیشرفته‌تری همچون روترهای ۷۰۰۷ سیسکو خریداری و در مراکز اصلی کشور نصب گردید و

ظرفیت پهنای باند نیز به تدریج افزایش یافت.

آقای عباسزاده در بخش دیگری از سخنان خود به توسعه زیرساخت‌های شبکه ملی اطلاعات در سال‌های اولیه پرداختند. ایشان اشاره کردند که در آن زمان، تهیه تجهیزات پیشرفته شبکه‌ای با مشکلات زیادی همراه بود و حتی برخی از کشورها نیز به فروش این تجهیزات به ایران تمایل نشان نمی‌دادند. با این حال، با تلاش متخصصان داخلی و همکاری با شرکت‌های خارجی، زیرساخت‌های شبکه ملی اطلاعات به تدریج توسعه یافت. در سال ۱۳۸۲، مرکز بومهن به‌عنوان یکی از مراکز اصلی شبکه راه‌اندازی شد و با نصب تجهیزات پیشرفته، ظرفیت پهنای باند کشور افزایش چشمگیری یافت. همچنین، در سال ۱۳۸۴، تعداد زیادی روتر سوئیچ ۷۶۱۳ سیسکو در نقاط مختلف کشور نصب شد که در آن زمان یک دستاورد بزرگ محسوب می‌شد. در نهایت، با تبدیل مجموعه امور ارتباطات دیا به شرکت ارتباطات دیا و سپس به سازمان فناوری اطلاعات ایران، شاهد تحولات مهمی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور بودیم.



سیاست‌های فرهنگی دولت چهاردهم

در ابتدای این نشست، **کمیل قدیرلو** عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و مدیر اندیشکده مطالعات فرهنگ و توسعه با اشاره به تعاریف گوناگون فرهنگ گفت: مواجهه با سیاست فرهنگی نیازمند فهم مداخله حاکمیت در امر فرهنگ است. یک وجه و تعریف از فرهنگ به امور فرهنگی مانند هنر ها، سینما، تئاتر و موسیقی برمی‌گردد و در لایه‌ای دیگر اقتصاد فرهنگ بروز پیدا می‌کند. وزارت فرهنگ و ارشاد باید خودش را مسئول سیاست‌گذاری فرهنگ به مثابه هنرها بداند.

قدیرلو گفت: یک تعریف دیگر از فرهنگ، فرهنگ به مثابه آموزش و تربیت است. از این رو سیاست فرهنگی باید به مسائل تربیت جوانان مربوط باشد. مسئله هویت نیز در حوزه تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان قرار دارد و با این تعریف از فرهنگ می‌تواند از موضوع سیاست فرهنگی باشد. تعریف دیگری از فرهنگ، فرهنگ عمومی است. منظور از این فرهنگ عمومی، آن نظام معنایی است که همه افراد خودشان را با آن تعریف و درک می‌کنند. فرهنگ عمومی نظام فهم و تجربه زیسته در حوزه عمومی است. این حوزه از فرهنگ عمومی شامل ابعاد متفاوتی از اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع است.

او افزود: هرگونه سیاست‌گذاری در دولت باعث تبعیض یا ارتقا گروهی می‌شود. ماهیت سیاست‌گذاری عمومی، امتیاز دادن و یا امتیاز گرفتن از عده‌ای است. سیاست فرهنگی

در ابتدای این نشست، **کمیل قدیرلو** عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و مدیر اندیشکده مطالعات فرهنگ و توسعه با اشاره به تعاریف گوناگون فرهنگ گفت: مواجهه با سیاست فرهنگی نیازمند فهم مداخله حاکمیت در امر فرهنگ است. یک وجه و تعریف از فرهنگ به امور فرهنگی مانند هنر ها، سینما، تئاتر و موسیقی برمی‌گردد و در لایه‌ای دیگر اقتصاد فرهنگ بروز پیدا می‌کند. وزارت فرهنگ و ارشاد باید خودش را مسئول سیاست‌گذاری فرهنگ به مثابه هنرها بداند.

قدیرلو گفت: یک تعریف دیگر از فرهنگ، فرهنگ به مثابه آموزش و تربیت است. از این رو سیاست فرهنگی باید به مسائل تربیت جوانان مربوط باشد. مسئله هویت نیز در حوزه تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان قرار دارد و با این تعریف از فرهنگ می‌تواند از موضوع سیاست فرهنگی باشد. تعریف دیگری از فرهنگ، فرهنگ عمومی است. منظور از این فرهنگ عمومی، آن نظام معنایی است که همه افراد خودشان را با آن تعریف و درک می‌کنند. فرهنگ عمومی نظام فهم و تجربه زیسته در حوزه عمومی است. این حوزه از فرهنگ عمومی شامل ابعاد متفاوتی از اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع است.

او افزود: در سیاست‌گذاری فرهنگی نیازمند فهم بالاتری از فرهنگ هستیم. در دولتمردان، فهم فرهنگ نباید به یک امر پسینی و پیوستی تقلیل یابد. وقتی در مورد سیاست‌گذاری فرهنگی صحبت می‌کنیم، سیاست‌گذار با سیاست‌گذاری در جامعه دخالت می‌کند. پس در اینجا تعریف جامعه مهم است. جامعه نظام معنایی متفاوتی دارد. جامعه ایران در طول زمان جامعه به دو گروه و دو قله تبدیل شده است. بین دو بخش از جامعه، دو دسته ارزش و هنجار و با دو نظام معنا، نظام تربیت شکل می‌گیرد. این جامعه به نوعی جامعه دو قله‌ای است. سیاست‌گذاری در امر اجتماعی و فرهنگی مداخله می‌کند. این دو قله‌ای بودن باعث می‌شود مداخله در

رویدادهای سیاستی شریف

۱۱۴

سیاست های فرهنگی دولت چهاردهم

دوشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۳ - ساعت ۱۵:۳۰ - خانه اندیشه ورزان



سید مجید امامی
عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق



کیومرث اشتریان
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



میثم مهدیار
مدیر پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات



تینا امین
مدیر نشست
کارشناس پژوهش سیاسی



کمیل قدیرلو
مدیر اندیشکده مطالعات فرهنگ و توسعه

برای حضور در جلسه ثبت نام کنید

@khana_itt






فرهنگی گفت: سیاست فرهنگی نباید به سیاست حمایتی تقلیل داده شود. گونه‌شناسی سیاست فرهنگی نیز باید در راستای آن تکمیل و تقویت شود. ما باید بین سیاست فرهنگی و تربیت فرهنگی تفکیکی قائل باشیم. تربیت فرهنگی، راهبر و متولی دیگری دارد ولی مسئول سیاست فرهنگی دولت است. البته این به معنای عدم مداخله دولت در مسئله تربیت نیست.

او گفت: ما در سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی با دو موضوع مواجه هستیم. در مقام زیست‌سیاست در جهان فعلی، مفهوم دولت به یک نیروی مسلط و چپاولگر محدود نمی‌شود بلکه دولت‌های جدید تامین‌کننده زندگی مردم‌اند و این زنده ماندن مردم است که به دولت معنا می‌دهد.

او اضافه کرد: از سوی دیگر در سیاست فرهنگی با ایدئولوژی مواجه هستیم که هم به معنای مثبت آن و هم به معنای منفی آن رادر نظر می‌گیرم. نظم ارزشی پیشینی در نظام اجتماعی ایران وجود دارد که باعث می‌شود سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی خاص بشود چرا که باید در مواجه با زیست‌سیاست از ارزش‌ها سخن بگوید و در عین تاکید بر ارزش‌ها از زندگی سخن بگوید. سوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌شود در عین ثابت بودن به استقبال تغییرات رفت؟ من معتقدم در جمهوری اسلامی قانون اساسی با همه نقص‌ها و کاستی‌هایش امکان ایستادن در



می‌تواند اساساً در راستای سیاست آزادی (تقویت خلاقیت) و سیاست تربیت باشد. توازن برقرار کردن میان این دو سیاست کار سختی است. بدین معنی که فرد هم آزاد باشد و هم تربیت شود.

او افزود: معنویت، عالی‌ترین وجه فرهنگ است. انسان در پی کشف معنا و معنویت است. اما در سیاست‌گذاری فرهنگی کشف معنا و معنویت می‌تواند ما را دچار چالش کند. یکی از بزرگان می‌گوید اندیشه‌های عرفانی وقتی در سطح عوام می‌آید تبدیل به خرافات می‌شود. در اجرای سیاست‌گذاری نیز معنویت وقتی به سطح پایین می‌آید و اجرا می‌شود دچار دگرگونی و تحول می‌شود. سیاست‌گذاری به معنی این نیست که حتماً باید کاری کنیم. سیاست‌گذاری فرهنگی به نوعی کشف انسان است. اینکه انسان چگونه انسان شد. در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی، خلاقیت و انسان به رسمیت شناخته نشده است. همین دلیل باعث شده است مداخله اغلب نهادها و سیاست‌ها نتیجه عکس بدهد. این مداخله به حاشیه کشاندن عرف است. در این نوع سیاست فرهنگی جوانان و زنان نادیده گرفته شوند.

قانون اساسی امکان ایستادن در فراز سیاست زندگی و سیاست ایدئولوژیک را دارد.

سیدمجید امامی دبیر سابق شورای فرهنگ عمومی و رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا با اشاره به گونه‌شناسی سیاست



گزاره‌ها مشخص می‌شود. در دولت‌ها، چیزی به عنوان گفتمان فرهنگی وجود نداشته است. در حوزه پوشش همان نهادی که گشت ارشاد را جلوی مال‌ها می‌برد، خودش در تهران در مکانی دیگر مال می‌سازد.

مه‌دی‌ار اضافه کرد: بنابراین یک گفتمان نظام بخش در سیاست فرهنگی نداشته‌ایم و درک فرهنگ و لایه‌های مختلف و عوامل شکل‌دهنده و تغییر جهت دهنده آن نداریم. بی‌دفاع گذاشتن جامعه در مقابل منطق بازار تناقض ایجاد می‌کند. سیاست‌فرهنگی لیبرال به اسم سیاست انتخاب و سیاست آزادی‌بخش، یک شکافی در حوزه اقتصادی ایجاد می‌کند که تبعات آن در تولید صنعت فرهنگ باعث تحمیل یک سبک زندگی و فرهنگ یک طبقه خاص به دیگر اقشار جامعه است. این تناقض سیاست فرهنگی لیبرال است که به اسم انتخاب چیزی را تحمیل می‌کند و سوژه لیبرال فکر می‌کند که انتخاب می‌کند اما این فرآیند و صحنه برای او طراحی شده است.



فراز سیاست زندگی و سیاست ایدئولوژیک را دارد. سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی، سیاست فرهنگی معطوف به ارزش است. این سیاست فرهنگی نه زیست‌سیاست مطلق است و نه سیاست ایدئولوژیک به معنای منفی آن.

بی‌دفاع گذاشتن جامعه در مقابل منطق بازار در سیاست فرهنگی تناقض ایجاد می‌کند.

میثم مه‌دی‌ار، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به نسبت دولت و فرهنگ گفت: در یک تعریف بسیط، سیاست‌گذاری فرهنگی، بالفعل کردن منابع فرهنگی در جهت ماموریت‌هایی است که یک نظام سیاسی دارد. دو گرایش عمده در نسبت دولت و فرهنگ وجود دارد. نگاه اول معتقد است بین دولت و فرهنگ منطق جداگانه‌ای تعریف نمی‌شود و جامعه و فرهنگ ذیل دولت تعریف می‌شوند. در این نگاه، بین دولت و جامعه نوعی این‌همانی وجود دارد و سیاست دولت همان سیاست فرهنگی است. هر نظمی در آپاراتوس دولتی، به نفع جامعه و فرهنگ نیز هست.

او گفت: در نقطه مقابل، نگاه دیگری وجود دارد که می‌گوید بین دولت و جامعه و فرهنگ منطق متفاوتی در جریان است. دولت به مثابه تجلی عقلانیت بوروکراتیک با منطق فرهنگ جامعه که منطق اجتماعی، مراقبتی و ارتباطی است در تضاد است. در این نوع سیاست‌گذاری هر گونه سیاست‌گذاری فرهنگی باعث ایجاد تضاد و چالش می‌شود. جامعه به‌مثابه هستی مستقل به صورت ارگانیک تغییر می‌کند و مداخله در این تغییر ارگانیک باعث چالش می‌شود. منطق بازار آزاد که در حوزه اقتصاد قائل به دست پنهان تنظیم‌گر است که این منطق در جامعه نیز می‌تواند دارای دچار نظمی خودانگیخته باشد. در این ادبیات عرف جامعه، نقطه تعادل است و دولت تنها می‌بایست از این عرف مراقبت کند.

او افزود: علوم انسانی، علوم تاریخی‌اند ما تا اکنون چیزی به عنوان سیاست‌گذاری فرهنگی به مثابه شناخت ابعاد مختلف فرهنگ نداشته‌ایم. ما تنها با یکسری از احکام و گزاره‌های فرهنگی مواجه هستیم که در هر دولت این تناقض‌های



سیاست‌نامه علم و فناوری



تحلیل روایی سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی ایران
بر اساس چهارچوب تحلیل روایی سیاست (NPF)
امیر محمد واعظی-علی ملکی

ارائه الگوی توسعه ناحیه نوآوری با محوریت پارک فناوری
مطالعه تجربه تاریخی فناوری پردیس
میثم نریمانی-سید حمزه حسینی-سید محمد صاحبکار خراسانی-مجتبی جباری پور

رویکردهای دیپلماسی علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران
مهدی باغبان-اردشیر سنایی

تحلیل زیست‌بوم نوآوری ایران از سیاست‌گذاری تا عمل: رویکرد مبتنی بر
تحلیل تم
نیما اسفندیاری-محمود مرادی-محمد رحیم رمضانیان-مصطفی ابراهیم پور ازبری

شرکت‌های ملی نفت، گذار انرژی و توسعه پایدار در خاورمیانه
حسین حیدری-حامد محقق نیا-شیوا جلال پور-فریدون اکبر زاده

شومپیتر و پایان سرمایه‌داری غربی: از چرخه فناورانه تا چرخه‌های مالی
روح الله ابوجعفری-محمد امیر ریزوندی

تهران، خیابان حبیب الهی، میدان تیموری، ورودی جنب پارکینگ شریف،
جنب دانشکده مکانیک، پژوهشکده سیاست گذاری دانشگاه شریف.

کدپستی: ۱۴۵۸۸۹۶۹۴

۰۲۱-۶۶۰۶۵۱۴۰

۰۲۱-۶۶۰۶۵۱۳۹

www.spri.sharif.ir

@spri_sharif   

spri-sharif 

Sharif Policy Research Institute (SPRI), Education Campus of Sharif
University of Technology, Teimouri Alley, Qasemi St, Habibollahi St,
Azadi St, Tehran, Iran

Mail: spri@sharif.edu

Postal code: 145889694

Tel: +98-021-66065139

